بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾

حزب التحرير
HIZB UT TAHRIR

دفتر مطبوعاتی
مرکزی

۰۳ جمادی الاول، ۱۴۴۸هـ | ۲۰۲۶/۱۰/۱۴م | شماره صدور ۱۴۴۸/۵۴

اعلامیه مطبوعاتی

استعمارگر کافر آن‌چه را می‌خواهد با ذره‌بین می‌جوید، اما در برابر حقایق خود را به کوری می‌زند!

(ترجمه)

آن‌چه در آذربایجان می‌گذرد، رویدادی تازه نیست؛ بلکه فصل دیگری از سیاستی است که این‌بار از دروازۀ مکتب وارد شده و حجاب دختر مسلمان را هدف گرفته است.

نظام حاکم در آذربایجان در ماه‌های جولای و اکتوبر ۲۰۲۶م، پس از تصویب تعدیلات سخت‌گیرانه در قانون آموزش عمومی، محدودیت‌های تازه‌ای را به اجرا گذاشت. شورای وزیران نیز با صدور دستورالعمل‌های اجرایی، یونیفورم یکسان مکاتب را الزامی ساخت؛ مقرراتی که در عمل، حجاب را از محیط‌های آموزشی کنار زد.

متن قانون هوشمندانه تنظیم شده بود؛ از «حجاب» نامی برده نمی‌شد، اما دروازۀ مکاتب عملاً به محل بازخواست از دختران محجبه تبدیل شد. نتیجه روشن بود؛ صدها دختر از چوکی‌های درس دور ماندند و ده‌ها آموزگار زن به دلیل حجاب از وظایف‌شان برکنار شدند تا آن‌جا که در برخی مناطق، کمبود جدی آموزگار به وجود آمد.

اما ماجرا به همین‌جا ختم نشد. وقتی تصاویر اخراج دختران و اعتراض مردم در فضای مجازی منتشر شد، مقامات به‌جای عقب‌نشینی از تصمیم خود، راه نشر این تصاویر را دشوار ساختند؛ محدودیت‌های تخنیکی بر شبکه‌های اجتماعی اعمال شد و سرعت برخی پلتفرم‌ها عمداً کاهش یافت تا صدای اعتراض کمتر شنیده شود و تصویر آن‌چه در پشت دروازه‌های مکاتب می‌گذشت، کمتر به بیرون راه پیدا کند.

با این همه، نظام این اقدام را «ضرورت امنیتی و حاکمیتی» خواند؛ اقدامی برای پاسداری از سکولاریسم دولت و جلوگیری از آن‌چه «نفوذ ایدیولوژیک فرامرزی» می‌نامد.

اما این اتفاق در کجا رخ می‌دهد؟ در کشوری با حدود ۱۰/۴۷ میلیون جمعیت که نزدیک به ۹۷ درصد مردم آن مسلمان‌اند!

با وجود این، وقتی دختر مسلمان به سبب حجاب از مکتب بازداشته می‌شود و آموزگار محجبه وظیفه‌اش را از دست می‌دهد، از غرب ـ به‌ویژه کشورهای اروپایی ـ آن هیاهوی همیشگی حقوق بشر و حقوق زن شنیده نمی‌شود. نه موج محکومیتی برمی‌خیزد؛ نه مدافعان آزادی به میدان می‌آیند و نه آنانی که شب و روز از «حق انتخاب زن» سخن می‌گویند، صدای بلندی سر می‌دهند.

همان غربی که هرگاه سخن از عفت و پوشیدگی باشد، از آزادی فردی می‌گوید؛ هرگاه سخن از مبارزه با فحشا و بی‌بندوباری باشد، حقوق زن را به میان می‌کشد؛ اما وقتی همان زن، حجاب را برمی‌گزیند، گویا آزادی او دیگر موضوعیت ندارد! و تناقض زمانی آشکارتر می‌شود که نگاه‌ها را از آذربایجان به همسایۀ آن، ایران، برگردانیم.

غرب در برابر آن‌چه بر زنان محجبه در آذربایجان می‌گذرد، چشم می‌بندد؛ اما همین که شماری از فعالان حامی حجاب در ایران کمپاینی به راه می‌اندازند، ذره‌بین‌ها بیرون می‌شود. در ایران، گروهی از طرفداران حجاب کمپاین‌هایی اینترنتی با عنوان «خرید آگاهانه» راه انداختند و مردم را تشویق کردند از فروشندگان و صاحبان کسب‌وکاری خرید کنند که حجاب را رعایت می‌کنند و از معامله با کسانی که قواعد شرعی پوشش را رعایت نمی‌کنند، خودداری ورزند. اینجا ناگهان مسئلۀ «حقوق زن» مطرح شد! غرب این فعالیت‌ها را فشاری نگران‌کننده بر زنان و شکلی از اجبار دانست که آزادی و حقوق آنان را نقض می‌کند.

پس معیار چیست؟ زن مسلمان را به برداشتن حجاب مجبور کنند، حتی اگر بهایش محرومیت از آموزش یا از دست دادن وظیفه باشد؛ مشکلی نیست! اما اگر گروهی از مردم، دیگران را به حمایت از زنان محجبه تشویق کنند؛ ناگهان سخن از فشار، اجبار و نقض حقوق زن به میان می‌آید! اینجاست که تناقض خود را آشکار می‌کند: اجبار زن به برداشتن حجاب، «آزادی»؛ اما تشویق او به پای‌بندی به حجاب، «فشار»!

Tel\Fax.: 009611307594 **Mobile:** 0096171724043
E-mail: media@hizb-ut-tahrir.info

صفحه انترنتی رسمی حزب التحریر
www.hizb-ut-tahrir.org
صفحه انترنتی دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر
www.hizb-ut-tahrir.info

محروم‌کردن دختر محجبه از مکتب، مسئله‌ای قابل تحمل؛ اما دعوت اجتماعی به حمایت از حجاب، تهدیدی علیه حقوق زن! این موضع، از نگاه این اعلامیه، تنها با کنارزدن پردهٔ شعارها و دیدن دشمنی عمیق با اسلام و مظاهر آن قابل فهم است؛ همان حقیقتی که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿**قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاء مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ**﴾ [آل عمران: 118]

ترجمه: *(نشانه‌های) دشمنانگی از دهان آنان آشکار است و آنچه در دل دارند بزرگتر است (از بدسگالی‌هائی که ظاهر می‌سازند).*

امت امروز بیش از هر زمان دیگری به دولتی نیاز دارد که حوادث را با میزان احکام الله سبحانه و تعالی بسنجد؛ دولتی که عزت را به امت، عفت را به جامعه و کرامت را به فرزندان آن بازگرداند و دست استعمارگران و حکام مجرم را از سرنوشت مسلمانان کوتاه سازد.

از همین رو، ای مسلمانان! با گام‌هایی استوار برای برپایی دولت خلافت راشدهٔ دوم حرکت کنید؛ زیرا زمان آن فرا رسیده و سنگینی نبودش بیش از پیش احساس می‌شود.

دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب‌التحریر